

فرهنگ اصطلاحات فلسفه، کلام و منطق

انگلیسی - فارسی
فارسی - انگلیسی

جواد قاسمی

قاسمی. جواد، ۱۳۳۸ -
 فرهنگ اصطلاحات فلسفه، کلام و منطق (انگلیسی - فارسی، فارسی - انگلیسی) / جواد
 قاسمی. -- مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۸۵
 ۳۳۶ ص.
 ISBN: 964-444-683-6
 فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.
 ۱. فلسفه -- واژه نامه ها -- انگلیسی. ۲. فلسفه -- واژه نامه ها -- فارسی. ۳. منطق --
 واژه نامه ها -- انگلیسی. ۴. منطق -- واژه نامه ها -- فارسی. ۵. کلام -- واژه نامه ها --
 انگلیسی. ۶. کلام -- واژه نامه ها -- فارسی. ۷. زبان انگلیسی -- واژه نامه ها -- فارسی.
 ۸. فارسی -- واژه نامه ها -- انگلیسی. الف. بنیاد پژوهشهای اسلامی. ب. عنوان.
 ۱۰۳
 ۴۱ / B ۴۱
 م ۸۳ - ۳۴۸۶
 کتابخانه ملی ایران



فرهنگ اصطلاحات فلسفه، کلام و منطق

(انگلیسی - فارسی، فارسی - انگلیسی)

جواد قاسمی

ویراستار: محمدجواد مهدوی

چاپ اول: ۱۳۸۵ / ۱۵۰۰ نسخه / قیمت ۴۶۰۰۰ ریال

چاپ و صحافی: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی

بنیاد پژوهشهای اسلامی، مشهد: صندوق پستی ۳۶۶ - ۹۱۷۳۵

تلفن و دورنگار واحد فروش بنیاد پژوهشهای اسلامی: ۲۲۳۰۸۰۳

فروشگاه های کتاب بنیاد پژوهشهای اسلامی، مشهد: ۲۲۳۳۹۲۳. قم: ۷۷۳۳۰۲۹

شرکت به نشر، دفتر مرکزی (مشهد) تلفن ۷ - ۸۵۱۱۱۳۶، دورنگار ۸۵۱۵۵۶۰

Web Site: www.islamic-rf.org

E-mail: info@islamic-rf.org

حق چاپ محفوظ است

فهرست

۷	مقدمه
۱۱-۱۷۱	فارسی - انگلیسی
5-160	English - Persian
162	Bibliography

مقدمه

معادل‌یابی درست و دقیق به ویژه برای اصطلاحات تخصصی، در حوزه علوم نظری و عقلی کاری دشوار و گاه ناممکن است؛ زیرا همه واژه‌هایی که فیلسوف، متکلم یا منطق‌دانی در زبانی به کار می‌گیرد یا می‌آفریند، همیشه ترجمه‌پذیر نیستند و همه مفاهیمی را که فیلسوف یا اندیشه‌وری در ذهن می‌پروراند، همیشه نمی‌توان به زبانی دیگر منتقل کرد. واژه‌ها بار تاریخی و فرهنگی خاص خود را دارند و حتی اگر بتوان در برابر هر واژه زبان مبدأ، واژه‌ای در زبان مقصد قرار داد، باز هم نمی‌توان تمام مفاهیم متن را به صورت کامل منتقل کرد. اما نمی‌توان با استدلال به این نکته، باب ترجمه را بست و از هر کوششی در این راه دست کشید؛ زیرا:

آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید

از این رو، برای مفاهیم تازه‌ای که در زبان مبدأ الفاظ خاصی دارند، باید با حفظ قواعد دستوری و آوایی زبان مقصد، الفاظ جدیدی وضع کرد. مثلاً می‌توان در برابر *agency*، خبرگزاری؛ در برابر *passport*، گذرنامه؛ در برابر *star*، ستاره؛ و در برابر *computer*، رایانه گذاشت، بی‌آنکه معانی آنها تغییر پیدا کند. در این گونه موارد صورت لفظ، از زبانی به زبانی دیگر، دگرگون می‌شود. اما ظاهراً هیچ خدشه‌ای بر معنا وارد نمی‌آید. اما در مورد واژه‌هایی چون: *existence* (وجود)، *existentialism* (فلسفه تقرر ظهوری)، *Dasein* (وجود حاضر)، *decree* (قدر)، *demon* (روح شریر)، *determined* (محضّل، موجب)، *reductionalism* (تحویل‌گرایی)، *intuitionism* (شهودگرایی) و بسیاری از اصطلاحات دیگر، هر چند در زبان فارسی معادل‌هایی برای آنها برمی‌گزینیم، همه معانی منتقل نمی‌شود و برابر نهاده‌های آنها دلالت تام بر معانی ندارند. پیوسته هاله‌ای از ابهام پیرامون این واژه‌ها را فرا گرفته و از روشنایی و وضوح واژه‌های عینی و ملموس برخوردار نیستند. این معادله‌ها خواننده، مترجم و متفکر را همانند واژه‌های

دسته اول اقناع نمی‌کند. هر چند در مورد اول نیز نمی‌توان گفت معادله‌ها کاملاً با یکدیگر برابرند و عیناً مفاهیم اولیه خود را می‌رسانند.

چرا این معادله‌ها روشنایی و وضوح معادله‌های پیشین را ندارند و ابهام آنها از کجاست؟ باید گفت این ابهام از ذات آنهاست که به مفهوم اصلی در زبان مبدأ باز می‌گردد، و نیز از ماهیت موضوع آنهاست که نمی‌توان وضوح عینی و حسی را از آنها انتظار داشت. با این حال، هر قدر فیلسوفی در به کار بردن واژه‌های مناسب برای اندیشه‌های خود توانا تر باشد و از ابزار زبان بهتر استفاده کند، اندیشه‌های خود را به صورتی روشن‌تر ارائه خواهد داد. از سوی دیگر، ابهام در الفاظ گاهی به سبب ابهام در اندیشه است. فیلسوفی که اندیشه‌هایش در عین ژرفایی، روشنایی دارد، الفاظی هم که به کار می‌برد روشن و قابل فهم است و می‌تواند حدود آنها را ترسیم و تفهیم کند و در قالب تعاریف بگنجانند. این روشنایی در کلام فیلسوف به مترجم هم در واژه‌گزینی یاری خواهد رساند و موجب خواهد شد واژه‌های روشن‌تر و گویاتر برای معادله‌های خود به کار برد. اما اگر اندیشه‌های فیلسوف آشفته و زبانش آشفته‌تر باشد، طبعاً مترجم و واژه‌گزین را نیز دچار سرگردانی و آشفتگی خواهد کرد.

همه مفاهیم یک واژه را در صورتی می‌توان دریافت که بتوان آن را در جایگاه و ساخت ویژه خود به لحاظ فرهنگی شناخت؛ مانند واژه‌هایی از قبیل instrumentalism (ابزارگرایی)، functionalism (کارکردگرایی)، intentionality (حیث‌التفاتی)، nominalism (مذهب اصالت تسمیه)، phenomenism (پدیدارگرایی) و

اصطلاحاتی که در کتابهای کلامی و فلسفی اسلامی به کار رفته‌اند، و واژه‌هایی که در فلسفه اشراق، حکمت متعالیه و عرفان نظری ابن عربی به کار رفته‌اند نیز وقتی به زبان انگلیسی باز می‌گردند، عیناً همان مفاهیمی را که خواننده فارسی‌زبان و آشنا با فلسفه در اسلام درک می‌کند، به ذهن متبادر نمی‌سازند؛ چرا که سلسله مفاهیمی به هم پیوسته را به همراه دارند که در نتیجه احاطه بر فرهنگ و آشنایی کلی با تاریخچه آن حاصل می‌آید. از این جمله‌اند اصطلاحاتی چون: اعیان ثابته (archetypes)، ارتداد (apostasy)، معراج (ascent)، اجماع (consensus)، تحدی (challenge) و

روش گردآوری اصطلاحات

طرح اولیه این فرهنگ در ابتدا انگلیسی به فارسی بود که پس از آن، نظر به اهمیت ترجمه متون فارسی اسلامی و عربی اسلامی به انگلیسی و سرعت آن در عصر حاضر، به صورت فارسی به انگلیسی نیز درآمد. گردآوری اصطلاحات انگلیسی به فارسی عمدتاً به سه شیوه صورت گرفته است: ۱- گزینش از فرهنگهای تخصصی موجود پس از کسب اطمینان از درستی معانی آنها از طریق مراجعه به فرهنگهای انگلیسی یک زبانه. ۲- گزینش اصطلاحات از بعضی واژه‌نامه‌های معتبر کتابهای فلسفی، منطقی و کلامی. در این مرحله بیشتر از کتابهایی استفاده شده که مترجمان اهل فن از انگلیسی به فارسی باز گردانیده‌اند و در انتهای کتاب واژه‌نامه‌ای تهیه کرده‌اند. البته همه واژه‌ها عیناً اقتباس نشده بلکه در درستی یا نادرستی آنها نیز تأمل و تحقیق صورت گرفته و با فرهنگهای انگلیسی مقایسه شده است. ۳- اصطلاحات انگلیسی دایرةالمعارف اسلام چاپ بریل که معمولاً معادل فارسی یا عربی را در برابر واژه انگلیسی قرار می‌دهد و اصطلاحاتی که از رهگذر ترجمه، ویرایش و یا مطالعه کتابهای مربوطه به دست آمده‌اند. این دسته از واژه‌ها معمولاً در هیچ یک از فرهنگهای موجود نیامده‌اند.

این فرهنگ عمدتاً اصطلاحات فلسفی، کلامی و منطقی مربوط به حوزه اسلام را گرد آورده است. واژه‌های به کار رفته در عرفان اسلامی، منطق جدید، کلام مسیحی و فلسفه غرب در مرحله بعد قرار می‌گیرند. در یافتن معادل برای واژه‌های فلسفه و کلام غرب از ترجمه‌های مترجمان و برابر نهاده‌های اهل فن در رشته‌های مربوطه استفاده شده، ولی برای کسب اطمینان از معانی و معادل فارسی آنها به لغت‌نامه‌های یک زبانه و یا فرهنگهای تخصصی فلسفه به زبان انگلیسی نیز مراجعه شده است.

اصطلاحاتی که به صورت ایتالیک چاپ شده‌اند، از زبانهای دیگر، عمدتاً لاتین، وارد زبان انگلیسی شده و رواج یافته‌اند. حروف داخل پرانتز در برابر واژه‌های فارسی، مخففهای مربوط به موضوع و رشته مورد نظرند، مثل: (ف.ا.) فلسفه اسلامی، (ف.غ.) فلسفه غرب، (ک.ا.) کلام اسلامی، (ک.م.) کلام مسیحی، (م.ر.) منطق ریاضی، (م.ک.) منطق کلاسیک، (ع.ا.) عرفان اسلامی. هر جا این حروف در برابر اصطلاحات قرار می‌گیرند، بدین معناست که معادل آنها اختصاص به رشته مورد نظر دارد و یا بیشتر در آن حوزه به کار می‌رود، هر چند ممکن است

رشته‌ها و حوزه‌های دیگر را نیز دربرگیرد. زیرا واژه‌های مربوط به فلسفه اسلامی گاهی در کلام و عرفان هم به کار می‌رود، همان‌طور که واژه‌های مربوط به کلام و عرفان اسلامی نیز در فلسفه مطرح می‌شود و از این رو اصطلاحات مشترکی دارند و همیشه نمی‌توان آنها را از یکدیگر جدا کرد. فلسفه ملاصدرا، سهروردی و فیلسوفان پس از آنها با اصطلاحات کلامی و عرفانی درآمیخته است.

در خاتمه جا دارد از همکاران ارجمند آقایان دکتر محمد جواد مهدوی و استاد محمد تقی اکبری که کار ویراستاری این اثر را بر عهده گرفتند، استاد بزرگوار جناب آقای دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی که با نگاهی گذرا مُهر تأیید بر آن زدند و نیز استاد ارجمند، حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر احمد احمدی که قسمتهایی از آن را ملاحظه کردند و پیشنهادهای سودمندی دادند، سپاسگزاری کنم. همسر فاضلم خانم فریبا بکاثلول، واژه‌ها را گرد آورد، کتاب را بازبینی کرد و در تهیه این اثر بسیار شکیبایی ورزید. آقای سید هاشم بنی‌هاشمی در تنظیم و ثبت فیشها نقش بسیار مؤثری داشت و آقای علی برهانی در حروف‌نگاری و آرایش کتاب و آقای رضا ارغیانی در نمونه‌خوانی آن با من صمیمانه همکاری کردند که از همه آنان سپاسگزارم.

جواد قاسمی